

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله ششم)

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۷ سپتمبر ۲۰۰۷

روز نهم سپتمبر – روز عزا یا روز جزا؟؟

در مورد دو روز ماه سپتمبر بسیار گفته و نوشته شده ؛ یکی در سطح افغانستان و دیگری در سطح جهان. حاجت به تذکر نیست که اولی روز نهم سپتمبر ۲۰۰۱ است و دومی روز یازدهم همین ماه و همین سال. این دو روز صرف نظر از تقارن تاریخی، چند وجه مشترک دارند :

– یکی "مرموز بودن" و "مرموز ماندن" علل، عوامل و مجریان آنهاست. تاکنون هیچ کس – نه در اینجا و نه در آنجا ، نه در جابلسای عالم و نه در جابلقای آن – در مورد عوامل پشت پرده و مجریان حوادث این دو روز حکم قاطع و صریح صادر کرده نمیتواند. شاید این راز سر به مهر در "اسرار خانه تاریخ" پنهان بماند و تا قاف قیامت فاش و برملا نگردد.

– وجه مشترک دیگر این دو روز ارتباط آنها به کشور عزیز ما افغانستان است. در حالی که روز نهم سپتمبر بخاطر قتل یک جنگ سالار مشهور افغان به نام "احمد شاه مسعود" ، مستقیماً با سرنوشت جنگهای داخلی افغانستان ارتباط میگیرد، روز یازدهم سپتمبر، سیاست جهانی را با وطن ما مستقیماً گره میزند. یازدهم سپتمبر و ارتباط دادن آن به "القاعده" و اسامه بن لادن و میزبانیش "تحریک طالبان"، بهانه ای شد، که اتا زونی بحیث "جهانبیان کره زمین" بلافاصله متوجه افغانستان گردد، رژیم طالبان را بروید و به کمک ایادی غربی خود، سرنوشت وطن ما را در کف "باکفایت" خود بگیرد. موضوع بررسی "نان الون" Nine - Eleven درین مقال مطرح بحث من نیست، ولو ارتباطش را با نهم سپتمبر نمیتوان نادیده انگاشت. بحث من روی نهم سپتمبر است که صفحه ای را در جنگهای داخلی وطنم رقم میزند.

در باره روز نهم سپتمبر که ارمغانش را همه میدانیم ، چند برداشت متفاوت وجود دارد :

۱- یکی برداشت سرسپردگان و طرفداران مسعود است، که از جمعیت اسلامی و "شورای نظار" یا بهتر بگوئیم "شورای زمره فروشان پنجشیر" و ایادی و انصارشان و بگفته آقای قوی کوشان "ظلمه" و "ظلام" ایشان میثراود. اینان همان طوری که از مسعود "قهرمان" ساختند و لقب "قهرمان ملی افغانستان" را بر حکومت کرزی رسمیت بخشیدند، روز مرگ مسعود را گرامی میدارند، "شله شیرین" و "حلوا" و "نذر لب جوی" و "اماچ بی بی غریب" میپزند و به روح پرفتوح آن "جنگسالار فقید" اتحاف دعا میکنند. اگر به دل ایشان میبود، روز قتل مسعود را به حیث یک "روز مذهبی" همتر از "دهم محرم" و "مولود شریف" درج تقویم ها کرده و "رخصتی عمومی" را فرض ذمه هر افغان و شاید هر فرد مسلمان میساختند. جیفه خواران بخاطر "احمد شاه مسعود" برای "پنجشیر" پساوند وصفی "شریف" را تراشیده و به تقلید از "مزار شریف" ، پیوسته "پنجشیر شریف" میگویند و مینوشتند. با این همه مبالغات اغراق آمیز و افراطگرایانه، از ایشان خیلی سپاسگزار باید بود، که "احمد شاه مسعود" را "شاه شهید" (۱) نخوانده و در پنجشیر زیارت "شاه شهید ثانی" را برپا نکرده اند.

اینان مردم طالبان و القاعده را بخاطر "افراطگرایی" ایشان میکوبند، مگر متوجه نیستند، که خودشان از همه افراطگرا تر اند. این افراطیان دو آتشفشان در مدح و ثنای احمد شاه مسعود می گویند و می نویسند، که اگر اشخاصی مانند "اصحاب کف" از خواب چندقرنه بیدار شوند، همینکه نوشته های مسعودپرستان را بخوانند فکر

خواهند کرد که "احمد شاه مسعود" العیاذ بالله "پیغمبر" و صاحب "وحی مُنزل" بوده است. من میگویم که طالبان و مسعودپرستان هر دو "افراط‌گرا" و "افراط‌پسند" اند، فرق بین ایشان درین است، که طالبان در تفسیر و تطبیق یک "دین آسمانی" افراط می‌ورزند، و "مسعود پرستان" در حد یک "موجود خاکی" و یک "جنگسالار".

۲- دگر برداشت اشخاص واقعیت‌گراست که خوب و بد را در ترازوی عقل و انصاف می‌سنجند و بعد در مورد افرادی نظیر مسعود حکم صادر می‌کنند. اینان که اکثریت قشر چیزفهم و تعلیم یافته‌ما را تشکیل می‌دهند، از مسعود عین چهره‌ای را ترسیم می‌کنند، که از گلبندین حکمتیار و رشید دوستم و ربانی و سیاف و دگر جنگسالاران جنایت‌گستر.

۳- دسته سوم مگر کسانی اند که از برکت مسعود و مسعودخیل‌ها، همه چیز خود را از دست داده‌اند؛ دار و ندار و مال و منال و حتی عزیزان دل خود را. بروید و از ایشان بخواهید، که دریچه دل خود را بکشایند و زخمهای التیام‌ناپذیر دست مسعود و ربانی و دوستم و گلبندین و محقق و دلگی مشر قسیم فهیم و خلیلی و سیاف و مزاری و ... را نشان بدهند؛ بلی نشان بدهند تا چشم کافر و مسلمان و یهود و نصارا و گیر و ترسا خون بگرید. اینان درد رسیدگان و "ضرب شست دیدگان" دست مسعود و مسعودخیل‌ها و هم‌ترازان جنگ‌پرور ایشان اند و اکثریت مردم مظلوم و هردم شهید ما و خصوصاً کابلیان ستمدیده را می‌سازند.

با مد نظر گرفتن تمام جنایاتی که مسعود و مسعودخیل‌ها و هم‌کیشان جنگ افروز و "کابل سوز" ایشان، در حق مردم ما و در حق پایتخت به جان برابر ما "حضرت کابل" (۲) کرده‌اند، آیا بیائیم و روز قتل جنگسالار "احمد شاه مسعود" را "روز عزا" اعلان بکنیم و یا که "روز جزا"؟؟؟

من میگویم که جزای عمل حق است و "قوماندان مسعود" بخاطر اعمال ضد انسانی خود در همین دنیای فانی جزای خود را دید، جزای آخرت و جزای جاودانی باشد سر جایش. زود باشد که دیگر جنگ افروزان جنایت‌گر و جنایت‌گستر هم به سزای اعمال خود برسند و تا که مردم درد رسیده و ستمدیده دست ستم‌کیشان سه دهه اخیر در قید حیات اند، به چشم سر خود مرگ و قتل و اعدام این قاتلان و جانیان را و جنایتکاران "خلق - پرچم" را ببینند و بر مرده ایشان "دعای رحمت" بفرستند.

**بی شک که "جزای عمل حق است" و آنان که دست مردم بی‌نوا از دست ایشان از بام تا شام
سوی خداست، دیر یا زود شلاق دادگاه زمانه را خواهند چشید!!!!
و لعنت خدا باد بر همه قاتلان و جنایتکاران و جنایت‌گستران!!!!**

آمین یا رب العالمین

توضیحات :

۱- در گوشه جنوبی شهر کابل و در جوار "پل مستان" و "چمن حضوری" زیارتیست بنام "شاه شهید" که به گفته مرحوم استاد ابراهیم خلیل - مؤلف "مزارات شهر کابل" - آرامگاه "شاه ابو اسحاق ختلانی" است. محله‌ای که در اطراف این زیارت آباد گردیده نیز بنام "شاه شهید" یاد می‌گردید که بعد ها در سطح یک کارته انکشاف داده شد.

۲- "حضرت" کلمه زیبا و قدیم است که در دری متقدمان فراوان بکار رفته و من این لغت را تیمناً برای پایتخت و وطن بکار بردم. در کلام پیشینیان مفخم ما "حضرت" در معنای "شهر بزرگ"، "شهر اعظم" و "پایتخت" استعمال گردیده. ابوالفضل بیهقی در تاریخ معظم خود "تاریخ مسعودی" یا "تاریخ بیهقی" در مورد "غزنین" فرماید :

«... و چون در اول این تاریخ فصلی دراز بیاوردم در مدح غزنین، این **حضرت** بزرگوار که پاینده باد، آن واجب دارم و فریضه بینم که کسانی که ازین شهر باشند و در ایشان فضلی باشد، ذکر ایشان بیاوردن، خاصه مردی چون بوحنیفه که کمتر فضل او شعر است و بی‌اجری و مشاھرہ درس ادب و علم دارد و مردم را رایگان علم آموزد....» (ص ۲۷۵ "تاریخ بیهقی" به اهتمام داکتر غنی و داکتر فیاض، انتشارات خاجو، چاپ چهارم، ۱۳۷۰)

استعمال "حضرت" در متن مقاله با لغت اعزازی "حضرت" و "بی‌بی" و غیره که از روی اخلاص دینی و مذهبی پیش روی نام مردان و زنان خاص بکار رود، ارتباطی ندارد.